



خورشیددین هرگز غروب نمی‌کند

گفت‌وگو با احسان خسروجردی پیرامون علل ماندگاری دین و مخاصمان آن از منظر بیانیه گام دوم

رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم تأکید دارند که شعارهای جهانی انقلاب اسلامی از آنجا که بر آمده از ارزش‌های دینی است «هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهد شد». برای واکاوی این فراز به سراغ احسان خسروجردی، دانش‌آموخته ادبیان و عرفان‌رفته‌ایم. خسروجردی با وام‌گیری از شهید مطهری معتقد است همان‌طور که رهبر انقلاب تأکید دارند خورشید دین هرگز غروب نمی‌کند. او در این مصاحبه استدلال‌هایی را از شهید مطهری برای این مدعا می‌آورد و به پیروزی‌های فکری – فرهنگی اشاره می‌کند که به دنبال جایگزینی «فلسفه»، «روان‌شناسی»، «عرفان»، «معنویت»، «علم»، «هنر و ادبیات»، «اخلاق» و «فرهنگ و تاریخ» به جای دین است. خسروجردی معتقد است اگر همچون مدلی که شهید مطهری و علامه طباطبایی در پیش گرفتند راه دین و این حوزه‌ها را جدا نکنیم نه‌تنها ترس می‌در برابر این هشت حوزه نداریم بلکه از ظرفیت‌های آنها برای فربه‌تر کردن دین بهره می‌بریم.

جناب خسروجردی رهبر انقلاب تأکید دارند که ارزش‌های دینی هرگز افول نخواهند کرد و هیچ‌گاه بی‌مصرف نمی‌شوند. این گزاره با چه پشتوانه استدلالی بیان می‌شود؟

اجازه دهید پاسخ این سؤال شما را با استدلال‌هایی از شهید مطهری پاسخ دهم. اگر آثار مختلف استاد شهید مطهری را ببینید، می‌توان گفت ایشان در مجموع سه بحث کلی دربارهٔ راز جاودانگی دین طرح کرده‌اند. به تعبیر خودشان این عوامل باعث می‌شود خورشید دین هرگز غروب نکند. عامل اول نسبت

دین با حقیقت و امور ثابت الهی و اساسی است. شهید معتقدند چون دین حقیقت محض است، همیشه می‌ماند. به عبارت دیگر چون دین حق است و حق همیشه می‌ماند و باطل می‌رود، پس دین همیشه بابرجاست. دومین استدلال ایشان برای ماندگاری دین منفعت رساندن دین به انسان است. ایشان می‌گویند بشر ذاتاً به دنبال چیزی است که برایش نفع دارد. هر زمان پدیده‌ای نفع و سودی، چه دنیوی و چه اخروی، برای انسان داشته باشد، آن چیز به‌ضرورت در زندگی انسان خواهد ماند. بر این اساس چون دین یکسری از نیازهای انسان را رفع می‌کند و هیچ‌بدیل و پدیده‌ای وجود ندارد که جای آن را بگیرد پس دین همیشه می‌ماند. سومین راز ماندگاری دین که شهید مطهری مستقیم به آن اشاره نکرده و من شخصاً آثارشان استنتاج کردم، «جامعیت دین» است. ایشان می‌گویند امتیاز اسلام این است که «فکر و عمل»، «علم و ایمان» و «فهم و مسئولیت» را توأمان با هم دارد. شهید به اقتضای ادبیات دهه ۵۰ که به نظم قابل‌نقد هم هست، این جامعیت را اینگونه تعبیر می‌کنند که مکتب اسلام هم ایدئولوژی دارد و هم جهان‌بینی و اینها در کنار هم، یکدیگر را تکمیل می‌کنند و باعث ماندگاری دین می‌شوند.

جهان‌بینی و ایدئولوژی هر کدام مربوط به چه ساحتی می‌شود یا بهتر بپرسم این دو چطور در کنار هم قرار می‌گیرند و به قول شما یکدیگر را کامل می‌کنند؟

دین مجموعه‌ای است از یکسری فرامین که اولاً به قول متفکرین دهه ۴۰ و ۵۰ به شما جهان‌بینی می‌دهد؛ یعنی نگاه شما را نسبت به جامعه، هستی، خدا و انسان‌های دیگر تنظیم می‌کند. به همین خاطر است که ما در معنای خدا برای یک مسیحی، با معنای خدا برای یک بودایی یا مسلمان تفاوت می‌بینیم. اصلاً زندگی یک بودایی به واسطه آن جهان‌بینی که بودا به او می‌دهد معنا و معنویتش با زندگی مسلمان تفاوت دارد. پس دین در مرتبه نخست به انسان جهان‌بینی می‌دهد و نگاه او به جهان، خدا، انسان‌های دیگر، طبیعت، عالم هستی و ماورای طبیعت را تنظیم و تعریف می‌کند و در مرحله بعد به او می‌گوید حالا که به عنوان انسان در این هستی‌ای که برایت تفسیر کردم قرار گرفتی باید چه کارهایی را انجام دهم که این به تعبیر دهه ۴۰، ۵۰ و ۶۰ ایدئولوژی و چه باید کرد به تعبیر امروزی‌ها، دین‌ورزی است.

با توجه به سه عاملی که در ابتدا به آن اشاره کردید می‌توانیم بگوییم **کانون‌های ضدمعنویت و اخلاق** را که رهبر انقلاب در بیانیه گام دوم به آن اشاره کردند، دنبال زدن این سه عامل برای محو دین از جامعه بشری هستند؟ البته متوجه تفاوت معنویت و

گاه‌دوم

گام دوم، ۸۸۴۹۸۴۷۶



محمدر شاهجهادی ایستگاه خیرنگاران

تعبیر می‌شود. این تفکیک خیلی مهم است. ببینید گاهی می‌گویند این جای رفع عطش می‌کند، اما اگر تافردا اینجا بنشینیم و اسم چای را ببریم اتفاقی می‌افتد؟ باید این را بخوریم تا رفع عطش شود. به همین طریق التزام به دین با دین‌ورزی است که مشکلات را حل می‌کند. ما چون این تفکیک را در برنامه‌ریزی‌هایمان قائل نمی‌شویم، فکر می‌کنیم همین که فرد بداند و حفظ کند دین محقق می‌شود در صورتی‌که التزام به آن مسئله راحل می‌کند.

در پروژه کلانی که فرمودید چه جایگزین‌هایی برای دین در نظر گرفته‌اند؟

در این پروژه هشت جایگزین برای دین و دین‌ورزی در نظر گرفته‌اند که عبارت‌اند: «فلسفه»، «روان‌شناسی»، «عرفان»، «معنویت»، «علم (به معنای عام)»، «هنر و ادبیات»، «اخلاق» و «فرهنگ و تاریخ». طبیعتاً مجال آن نیست تا هر هشت مورد را توضیح دهم. این هشت مورد یا به صورت مستقل خودشان مدعی هستند که هر کس به سمت ما بیاید ما زندگی او را بهتر از دین تدبیر می‌کنیم یا بعضی‌ها قائل به تلفیقی از این‌ها هستند و یکی، دو تا یا سه تا آنها را تلفیق می‌کنند تا جایگزین دین شود. در این بین «فلسفه»، «عرفان»، «معنویت»، «علم» و «هنر و ادبیات» از آنجا که برخلاف سایرین که تنها در «دین‌ورزی» برنامه دارند، هم در ساحت «دین» و هم در ساحت «دین‌ورزی» مدعی هستند، متفاوت‌اند. این چند ساحتی که عرض کردم هم جهان‌بینی به ما می‌دهند و هم چه باید کرد‌ها را مشخص می‌کنند اما سایر عرصه‌ها عمدتاً در چه باید کرد رقیب دین هستند و می‌خواهند دین را کنار بزنند و خودشان جای آن بایستند.

می‌شود از آنها که فقط در عرصه چه باید کرد رقیب دین هستند، مثالی بزنید؟

مثلاً به اخلاق که یک نمونه‌اش اخلاق سکولار است، توجه کنید. اخلاق سکولاری می‌گوید به‌جای دستورالعمل‌هایی که دین برای زندگی بهتر و شریف‌تر به تو عرضه داشته به سمت من بیا. من کاری می‌کنم که تو شریف‌تر و اخلاقی‌تر و آرام‌تر زندگی کنی؛ اصلاً مهم نیست که به شریعت یا یک دین خاص التزام داشته باشی یا اعمال عبادی انجام دهی. تو به عنوان یک فرد به سمت من بیا تا همه آنچه را که می‌خواهی با دین به آن برسی با کیفیتیی بالاتر به تو عرضه کنم.

یامثلاً در روان‌شناسی ادعا می‌کنند ما می‌توانیم با شاخصه‌هایی که موجود است انسان دین‌دار را با انسانی که راه را ما می‌رود، مقایسه کنیم تا ثابت شود این فردی که در مکتب ما هست شاخصه‌های روانی‌اش به‌مراتب بالاتر است. درواقع می‌خواهند راهبرد شهید مطهری و آن عواملی را که می‌گفت اگر باشند، خورشیددین غروب نمی‌کند، بزنند تا جامعه را به این نتیجه برسانند که این ادعاهای دین‌پرگویی و غلو است و فهم ما از اسلام غلط و ارمانی بوده لذا دین حدش این نیست و باید عرصه‌ها را به روان‌شناس‌ها، فلاسفه و… واگذاریم.

خب اگر بخواهیم با همان مبانی‌ای که از شهید مطهری ذکر کردیم به مثلاً اخلاق سکولار جواب دهیم چه باید بگوییم؟

شهید مطهری می‌گوید اخلاق بدون دین اصلاً امکان ندارد. دلیلشان هم این است که اخلاق بدون دین پشتوانه عملی و اجرایی ندارد. این مسئله، یعنی پشتوانه اجرایی، تا همین الان یکی از قوی‌ترین دلایلی است که دین‌داران در نقد اخلاق سکولار می‌گویند. دین‌داران از جمله شهید مطهری می‌گویند شما بهترین حرف‌ها را هم که در عرصه‌نظر و ساحت فکر درباره الگوی اخلاق برای انسان بگویی تا انسان‌ها با یک مجموعه حرف‌های دیگری متمهد به اجرای آن حرف‌ها نشوند کفایت نخواهد کرد. از همین منظر شهید مطهری معتقد بود چون اخلاق سکولار پشتوانه اجرایی ندارد نخواهد ماند و اخلاق دینی جاودانه است. یکی از مکانیسی که بسیار به رقابت با دین می‌پردازد **اگر یستانسالیست است. همین الان شاهد ترجمه کتاب‌های بسیاری از این مکتب به ویزه در حوزه روان‌شناسی هستیم. بر اساس آن عوامل سه‌گانه‌ای که از شهید مطهری فرمودید، این مکتب در برابر اسلام می‌تواند قلم کند؟**

شهید مطهری معتقد بود اگر یستانسالیست مکتبی نیست که مقابل اسلام نخواهد بایستد. هر چند همان‌طور که گفتید

به پای آن برسند.



THE BUTLER (2013)

شکی نیست که فیلم‌ها و فراتر از آن هنر همپای کتاب‌ها می‌توانند معرفت‌بخش باشند. از همین‌و برای فهم بسیاری از بخش‌ها و بحث‌های بیانیه گام دوم نیازی نیست حتماً پای سخنرانی یا کتابی بنشینیم؛ گاهی فیلم‌ها حرف‌ها را بر ایمان بهتر روایت می‌کنند. فیلم پیشخدمت (THE BUTLER) از همین دست آثار است. این فیلم که ساخته «لی دنیلز» در سال ۲۰۱۳ است، زندگی «سیسیل گینز» پیشخدمت سیاهپوست کاخ سفید را روایت می‌کند که قریب به ۳۰ سال در کاخ سفید مشغول به خدمت بوده است. سیسیل نقش او را فراست ویناگر بازی می‌کند، از سال ۱۹۵۷ تا ۱۹۸۶ در کاخ سفید است و در این سال‌ها هشت رئیس‌جمهور امریکا از آیزنهاور تا رونالد ریگان را به چشم می‌بیند و از نزدیک در جریان مسائل بسیاری همچون جنگ ویتنام و جنبش‌های حقوق مدنی قرار می‌گیرد. سیسیل که از کودکی به عنوان برده در مزرعه پنبه‌کاری سفیدپوست‌ها کار می‌کرده، با سختی‌های بسیاری مواجه بوده است. پدر سیسیل در سال‌هایی که سیاهان با وجود پایان برده‌داری در ایالات متحده همچنان تحت فشار سفیدپوستان قرار داشتند، در مقابل چشمان او با ضرب گلوله اربابشان که قصد تجاوز به مادرش را داشته، کشته می‌شود. او پس از این به کار در درون خانه و سپس چند سالی به پیشخدمتی در هتل بزرگ رومی آورد و با مهارت‌هایی که در مهمان‌داری کسب می‌کند که در حضور در کاخ سفید دعوت می‌شود. سیسیل با همه سختی‌هایی که در طول زندگی‌اش دیده معتقد است پیشرفت در زندگی تنها با فرمانبری، تلاش سخت و کار شانه‌ورزی حاصل می‌شود، اما فرزند او لوئیس که نمادی از نسل جوان سیاهان آمریکایی در سال‌های ۶۰ و ۷۰ است، پس از کتک خوردن از گروهی نژادپرست، معتقد به ایستادگی در برابر نژادپرستی و شرکت در جنبش «پلنگ‌های سیاه» می‌شود و راهی متفاوت از پدرش در پیش می‌گیرد که سرانجام نیز به زندانی شدن او می‌انجامد. برخی معتقدند روایت لی دنیلز از مشاخره‌های سیسیل و لوئیس در خانه، تضادهای خانوادگی جامعه آمریکایی را در دهه ۶۰ و ۷۰ به تصویر می‌کشد. با دین این فیلم که حکایتگر گوشه‌ای از جنایات سفیدپوستان آمریکایی در حق سیاهپوستان است، متوجه خواهیم شد چرا رهبر انقلاب از غربی‌ها در بیانیه گام دوم تحت عنوان «سردمداران گمراهی و ستم» یاد کرده است.



بقی‌قراری

«بقی‌قراری» را که خوانید با بخش‌هایی از زمین و تاریخ آشنا می‌شوید که اگر دهان باز و شرارت‌های هموعانمان را بر زبان‌ها ن‌ترکس‌ها روایت کنید، از خجالت انسان بودن، آب می‌شویم! «بقی‌قراری» حکایت کینجکاوی پرنیخ خبرنگاری ترک به نام «آبراهیم» است که به دنبال خبر قتل همبازی کودکی‌اش در امریکا، هسپار مرز ترکیه و سوریه می‌شود و به قفسه پریناز، دختری کرد و ایزدی مسلک، پا می‌گذارد که از ترس هجوم داعش و جنایت‌های آن آواره مرز و کوهستان شده و با تعصبات و خرافه‌های قومی، روزبه‌روز زندگی‌اش تلخ‌تر می‌شود؛ تلخی‌ای که آب دو رود هم برای شستنش کافی نیست!

این اثر را زولفو لیوانلی، شاعر، خواننده، کارگردان و نویسنده سیاسی ترک در سال ۲۰۱۷ به رشته تحریر در آورده و بیش از ۱۶۶ بار در ترکیه تجدید چاپ شده است. پشت جلد کتاب آمده است: «هدام از خودم چیزهای عجیب‌وغریب می‌پرسم. اگر در سوریه جنگ را نمی‌افتاد، اگر دنیا به این جنگ‌وستیزها دامن نمی‌زد، اگر کسی نفت داعش را نمی‌خرید، آن وقت هیچ‌کدام از این اتفاقات نمی‌افتاد، این همه با لبر سایر ملکناز و زبیلان و ترنس نازل نمی‌شد، در روستای خودشان زندگی می‌کردند و صاحب خانه و خانواده می‌شدند، سه میلیون پناهجو به ترکیه نمی‌آمد، حسین ملکناز را نمی‌دید، با صفیه از دواج می‌کرد و در ماردین به زندگی‌اش ادامه می‌داد.»

بی‌قراری، هر چند تأکیدش بر روایت رنج مردم سوریه است اما لزوم هر چه بیشتر اتحاد مردم منطقه و تشکیل تمدن نوین اسلامی را گوشزد می‌کند. تمدنی که پای طلمانان نفت را به منطقه می‌بندد و مردم را آزاد می‌گذارد تا خود با اتحاد و هم‌زیستی از مسیر مردم‌سالاری برای زندگی‌شان تصمیم بگیرند. از این کتاب چندین ترجمه به فارسی موجود است که شاید بتوان گفت ترجمه خانم «زینب عدی گلزار» که به همت انتشارات ماهی منتشر شده به دلیل خلافت‌ی ایشان در ترجمه اشعار کتاب مورد پسندتر است.

فیلم‌هایی که برای فهم بیانیه گام دوم انقلاب باید دید

کتاب‌هایی که برای فهم بیانیه گام دوم باید خوانند